

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أحمد



دانشگاه علامه طباطبایی

دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی

پایان نامه

جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته روانشناسی عمومی

موضوع :

اثر بخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر تغییر نگرش دانش آموزان مقطع دبیرستان شهر سیرجان نسبت

به سوء مصرف مواد مخدر

استاد راهنما :

دکتر محمود گلزاری

استاد مشاور :

دکتر احمد برجعلی

استاد داور :

دکتر فرهاد جمهری

پژوهشگر :

مرتضی عبدالله پور

بهار ۱۳۸۷

۱۳۸۷ / ۳ / ۲۸

این پایان نامه با حمایت مالی ستاد مبارزه با مواد مخدر اجرا شده است

۹۴۰۱

با سپاس فراوان از استاد فرزانه ، جناب آقای دکتر گلزاری؛
که در تمام مراحل تحصیل و همچنین در تمامی مراحل تهیه پایان نامه قبول زحمت فرموده و فرصت برخورداری
از راهنمایی های ارزنده ، بسیار مسولانه و بی دریغ را برای من فراهم نموده اند.

با سپاس فراوان از جناب آقای دکتر برجعلی؛
به خاطر راهنماییهای ارزنده ایشان در این پژوهش و در تمامی مراحل تحصیل برخوردار بوده ام.

همچنین با سپاس فراوان از آقای دکتر فرهاد جمهری؛
استاد داور گرامی که قبول زحمت نموده و به داوری از پژوهش اینجانب اهتمام نموده اند.

و از دوستان گرامی آقایان محمد ضرغامی ، علی غلامی ، اکبر مومنی راد، سید فتح الله حسینی و محسن ایدی که
در تهیه و تدوین پایان نامه یاری ام نموده اند تشکر و قدر دانی می کنم.

۱۳۸۷ / ۳ / ۲۸

تقدیم به

روح پدرم که یادش و سخنانش همیشه چراغ راهم است؛

و به مادرم که اسوه صبر و فداکاری و مهربانی است؛

و به خواهران و برادرانم؛

و به همه آنهایی که در این مسیر یاریگرم بوده اند.

چکیده:

اعتیاد معضلی است که جوامع بشری را بسوی انحطاط سوق می دهد چرا که اعتیاد به مواد مخدر پدیده ای زیستی ، اجتماعی و روانی است که هزینه های بسیار زیاد و مخربی را برای هر یک از حوزه های اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جامعه بر جای می گذارد. کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نیست . با توجه به اینکه اکثر جمعیت کشور ما جوان است ، اعتیاد قشر جوان تهدیدی علیه سلامت و آینده کشور است. از این رو برنامه ریزی ، تدوین و اجرای روشهای پیشگیری ضروری می باشد . بر این اساس در این پژوهش سعی شده است با استفاده از آموزش مهارت های زندگی نگرش نوجوانان نسبت به سوء مصرف مواد را تغییر داده و آنها را در برابر این بلا ایمن سازیم .

روش: این پژوهش یک پژوهش آزمایشی از نوع پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل است که با هدف تعیین تاثیر آموزش مهارت های زندگی بر تغییر نگرش دانش آموزان دبیرستانهای شهر سیرجان نسبت به سوء مصرف مواد انجام پذیرفته است. بدین منظور دو فرضیه تدوین شد و برای آزمون آنها تعداد ۴۰ دانش آموز از ۱ دبیرستان که با اجرای پرسشنامه نگرش سنج نسبت به اعتیاد، ۲۰ نفر از آزمودنیها که نمره بالاتری کسب کردند(یعنی گرایش مثبت تری نسبت به مصرف مواد داشتند) را در گروه آزمایش و از بقیه دانش آموزان ۲۰ نفر را به طور تصادفی انتخاب و به عنوان گروه کنترل جایگزین شدند . و سپس گروه آزمایش به مدت ۱ ماه در ۸ جلسه آموزش مهارت های زندگی شرکت کردند اما بر گروه کنترل هیچ تغییری اعمال نشد . در پایان هر دو گروه توسط فرم ب مقیاس نگرش سنج نسبت به اعتیاد پس آزمون شدند. داده ها توسط روشهای آماری تحلیل کوواریانس و آزمون t و نرم افزار spss تجزیه و تحلیل شدند.

نتایج: نتایج تحلیل آماری نشان داد که آموزش مهارت های زندگی بر تغییر نگرش دانش آموزان نسبت به سوء مصرف مواد موثر بوده است.

بحث: همانطور که مشخص گردید آموزش مهارت های زندگی بر تغییر نگرش دانش آموزان نسبت به اعتیاد موثر است. توجه به پیشینه نظری و تحقیقاتی حاکی از آن است که روش آموزش مهارت های زندگی به دلیل جامع بودن ، تنوع و کاربردی نگاه کردن به جنبه های مختلف زندگی انسانها ، در انواع پیشگیری از جمله پیشگیری از مصرف سیگار ، مشروبات الکلی ، مواد مخدر ، رفتار های پرخطرگراانه وسایر موارد در اکثر جوامع نقش موثر و چشمگیری داشته است و این به دلیل همه جانبه بودن و روش اجرای عملی و کاربردی این نوع روش است . با توجه به این مباحث به پژوهشگران توصیه می شود در تهیه و اجرای رویکردهای پیشگیری به آموزش مهارت های زندگی توجه بیشتری داشته باشند. کلید واژه ها: آموزش مهارت های زندگی ، تغییر نگرش ، پیشگیری، سوءمصرف مواد مخدر، اعتیاد ، نوجوانان.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
د	چکیده.....
ه	فهرست مطالب.....
ح	فهرست اشکال و جداول.....

فصل اول : طرح تحقیق

۲	مقدمه.....
۴	بیان مساله.....
۷	اهمیت و ضرورت پژوهش.....
۹	اهداف پژوهش
۹	فرضیه های پژوهش
۱۰	تعاریف نظری واژه ها.....
۱۱	تعاریف عملیاتی واژه ها.....

فصل دوم: ادبیات تحقیق

۱۴	مقدمه.....
۱۵	سوء مصرف مواد
۱۶	وابستگی
۱۸	سبب شناسی اعتیاد
۲۶	نظریه های اعتیاد
۳۸	نوجوانی و خطر سوء مصرف.....
۳۹	عوامل خطر ساز و محافظت کننده
۴۳	پیشگیری
۴۶	اهداف مداخلات پیشگیرانه
۴۹	رویکردهای پیشگیری
۵۸	مهارت های زندگی
۶۶	مکان ارائه آموزش و مداخلات پیشگیرانه

۶۹ نگرش
۷۱ اجزای نگرش
۷۲ تکوین نگرش
۷۳ نگرش به مصرف مواد مخدر
۷۴ الگوهای تغییر نگرش
۷۹ تحقیقات انجام شده در داخل و خارج از کشور

فصل سوم : روش اجرای تحقیق

۸۵ مقدمه
۸۶ روش تحقیق
۸۷ جامعه آماری
۸۷ نمونه آماری و روش نمونه گیری
۸۸ ابزار اندازه گیری
۸۹ روایی و پایایی ابزار اندازه گیری
۹۰ روش جمع آوری داده ها
۹۰ روش تجزیه و تحلیل داده ها
۹۱ روش اجرا

فصل چهارم: نتایج تحقیق

۹۳ فرضیه اصلی پژوهش
۹۶ فرضیه فرعی پژوهش

فصل پنجم : خلاصه ، بحث و نتیجه گیری

۹۹ خلاصه و جمع بندی
۱۰۰ بحث و نتیجه گیری
۱۰۵ محدودیت های پژوهش
۱۰۶ پیشنهادهای پژوهش
۱۰۷ منابع فارسی
۱۱۲ منابع لاتین
۱۱۴ پیوست ها

فهرست اشکال و جداول

صفحه	عنوان
۲۷	شکل ۱-۲: رویکرد سیستمی به عوامل موثر در سوء مصرف مواد مخدر
۳۰	شکل ۲-۲: نظریه رفتار طرح ریزی شده
۷۵	شکل ۲-۳: مراحل مختلف فرایند تغییر نگرش بر طبق الگوی هاوولد
۸۶	جدول ۳-۱: طرح تحقیق
۹۴	جدول ۴-۱: میانگین وانحراف استاندارد نگرش دانش آموزان نسبت به سوء مصرف مواد
۹۴	جدول ۴-۲: آزمون تحلیل کوواریانس مقایسه نمرات میانگین پس آزمون و پیش آزمون
۹۵	جدول ۴-۳: آزمون t برای مقایسه میانگین های دو گروه
۹۶	جدول ۴-۴: تفاضل نمرات مولفه های نگرش در پس آزمون دو گروه
۹۷	جدول ۴-۵: مقایسه میانگین نمرات پس آزمون گروه آزمایش و کنترل در نمره مولفه های نگرش

فصل اول

کلیات پژوهش

مقدمه

بیان مساله

ضرورت و اهمیت پژوهش

اهداف پژوهش

فرضیه های پژوهش

تعاریف عملیاتی

مقدمه:

مساله مواد مخدر یکی از مسائل مهم و جدی در سطح بین المللی است که از جنبه های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فیزیولوژیک نگاههای مختلفی را به خود معطوف نموده است و هر چه تکنولوژی پیش تر می رود تنوع این مواد نیز بیشتر می شود، تا جائیکه امروزه تنوع این مواد افیونی آنقدر زیاد است که حتی شناسایی آنها نیز به سختی امکانپذیر است. از سوی دیگر متاسفانه در نتیجه شیوع این مواد و احیانا سرمایه گذاری تولیدکنندگان آنها به نحو چشمگیری افزایش یافته است .

سوء مصرف و قاچاق مواد مخدر پدیده ای چند وجهی است که همه ارکان اساسی جامعه را تحت تاثیر قرار می دهد، لذا مبارزه با آن نیز مستلزم به کار گیری همه ظرفیت های موجود است. برخورد جدی و اصولی با این پدیده، جز از طریق همکاری فراگیر میسر نیست و همگان از بالاترین تا پایین ترین سطوح حاکمیت باید در این جهاد مقدس مشارکت نمایند. کار مبارزه تنها در صورتی به اهداف تعیین شده نائل خواهد شد که نهادهای غیر دولتی، آحاد مردم و بخصوص خانواده ها در کنار بخش دولتی و در سایه عزم ملی در کنار مسولان جامعه با توان و امکانات کافی بسیج شوند. بدیهی است موفقیت کامل در امر مبارزه، مستلزم هماهنگی و همکاری بین المللی و تشریک مساعی همه دولت ها و ملت هایی است که در معرض چرخه تولید تا سوء مصرف قرار گرفته و هر کدام به نوعی در معرض آسیب های امنیتی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مواد مخدر و اعتیاد هستند.

آسیب های اجتماعی طی چند دهه اخیر در سراسر جهان سیر صعودی داشته است. آمارهای نگران کننده در این زمینه، کارشناسان را به بررسی این معضل و یافتن راه حلی برای آن برانگیخته است. نتیجه این بررسی ها نشان میدهد که بسیاری از آسیب های اجتماعی ناشی از کمبود مهارت های روانی- اجتماعی لازم برای برخورد موثر با مشکلات زندگی هستند. به عنوان مثال پژوهش های صورت گرفته در زمینه سوء مصرف مواد مخدر نشان داده اند که یکی از عوامل اصلی گرایش به مصرف مواد مخدر، پایین بودن عزت نفس، ضعف در مهارت های ارتباطی، و حل مساله است. بنابراین مهارت های مقاومت در برابر فشار همسالان، به عنوان یک مهارت روانی اجتماعی می تواند بازدارنده باشد. و به طور کلی مطالعات مختلف حاکی از رابطه مستقیم فقر مهارت های روانی- اجتماعی یا به

طور کلی مهارت های زندگی و انواع جرم و آسیب اجتماعی مثل خودکشی و اعتیاد، کودک آزاری، همسرآزاری، دزدی، جنایت و انجام رفتارهای مخاطره آمیز جنسی می باشد. به همین منظور یک برنامه مدون آموزش مهارت های زندگی می تواند بازدارنده یا کاهنده آسیب های اجتماعی در گروه های مختلف جامعه باشد.

اعتیاد در حال حاضر مشکل جهانی است که هیچ کشوری را نمیتوان نام برد که از این معضل جهانی در امان باشد. کشور ایران دارای یکی از جوانترین جمعیت های جهان است، به طوری که بیش از ۵۰ درصد جمعیت ۵۰ میلیونی آن را، کودکان، نوجوانان و جوانان تشکیل می دهند. این جمعیت جوان می تواند برای توسعه کشور سرمایه بالقوه ای محسوب شود. در عین حال اگر توجه کافی به آموزش و پرورش، توسعه و سلامت آنان معطوف نشود، همین جمعیت کلان تهدیدی برای آینده کشور خواهد بود، چرا که نیازهای تامین نشده آنان به شکل رفتارهای ناپهنجار و بزهکاری خود را نشان خواهد داد. در ایران بر طبق گزارش دکتر نارنجی ها، مجری طرح ارزیابی سریع وضعیت سوء مصرف و وابستگی در ایران، در سال ۱۳۸۳، حدود یک میلیون و ۴۰۰ الی ۵۰۰ هزار معتاد وجود داشته که حداقل سن معتادان ۱۴ سال بوده است (مهاجر دارابی، ۱۳۸۶).

بیان مساله

امروزه اعتیاد^۱ (وابستگی به مواد، مسمومیت ناشی از مواد) به عنوان مساله ای اجتماعی روانی و تاریخی یکی از مشکلات عدیده جهان معاصر است که جوامع بشری را تهدید به سقوط می کند. بر اساس چهارمین ویراست راهنمای تشخیصی و آماری اختلالهای روانی^۲ (DSM-IV)، علامت اساسی وابستگی به مواد مجموعه‌های از علائم شناختی، رفتاری و فیزیولوژیکی است که فرد علی رغم داشتن مشکلات قابل ملاحظه و مرتبط با مواد به مصرف آن ادامه می‌دهد. الگویی از مصرف تکراری وجود دارد که معمولاً منجر به عدم تحمل محرومیت و رفتار اجباری می‌شود (کاپلان و سادوک^۳، ۱۹۹۷. ترجمه پور افکاری، ۱۳۷۹).

از آنجایی که کشور ما از کشورهای در حال توسعه است و جمعیت نوجوان و جوان نیز اکثریت جمعیت آن را تشکیل می‌دهند و مشکلات فراوانی نظیر فقر مالی و اقتصادی، بیکاری، نگرانی از آینده شغلی و... دارند و از این جهت که ایران در چهار راه ترانزیت^۴ مواد مخدر واقع شده است این قشر آسیب پذیرترین افراد جامعه در برابر اعتیاد هستند.

به طور کلی برای جلوگیری از گسترش سوء مصرف مواد مخدر سه راه وجود دارد:

۱-مقابله با عرضه

۲-درمان معتادان

۳-کاهش تقاضا در جمعیت سالم

مشکلات و هزینه های دو روش اول زیاد است که در بسیاری از موارد به شکست منجر شده اند، از این رو رویکرد غالب و پسندیده کاهش تقاضاست.

برای پیشگیری از ابتلا افراد به اعتیاد، نیروی قانون و مبارزه با عرضه نمی‌تواند به تنهایی موثر باشد و مناسب ترین راه کم کردن تقاضاست. در این میان مهمترین رکن برنامه ریزی یعنی آموزش مردم فراموش شده است. همانطور که می‌دانیم باورهای نادرست و وجود نگرش های مثبت نسبت به سوء مصرف مواد مخدر در بین افراد و خانواده

1- Addiction

2- Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorder-4th edition

3- Kaplan & Sadock

4- transit

ها یکی از عوامل موثر بالا بردن تقاضا و گرایش نسبت به اعتیاد است. بنابراین یکی از راههای کنترل تقاضا تغییر نگرش^۱ افراد نسبت به سوء مصرف مواد مخدر است (عسگری، ۱۳۸۴).

رویکرد کاهش تقاضا در جهان عمر کوتاهی دارد و از سی سال پیش به تلاش ها و مبارزه علیه اعتیاد اضافه شده است. بررسی ها نشان می دهند که رویکرد پیشگیری نیز می بایست در کنار مبارزه با عرضه و رویکرد درمانی مورد توجه قرار گیرد. از سال ۱۹۸۰ میزان شیوع اعتیاد در کشورهایی که فعالیت های پیشگیری از اعتیاد را از طریق کاهش تقاضا با جدیت پیگیری می نماید، کاهش قابل ملاحظه ای یافته است. به عنوان مثال تعداد مصرف کنندگان مواد مخدر در آمریکا در سال ۱۹۹۰، به نسبت سال ۱۹۸۵ به نصف تقلیل یافت که این تغییر مدیون فعالیت های پیشگیرانه از اعتیاد بوده است (رحیمی موقر، ۱۳۷۵، به نقل از نظری، ۱۳۷۸).

بنا به نظر، بتوین و بتوین^۲ (۱۹۹۷)، درمان اعتیاد و شکستن چرخه معیوب آن گران و دشوار است و سیستم درمانی جامعی با رویکرد های مختلف دارودرمانی، رواندرمانی، بازپروری^۳ و باز توانی را می طلبد تاکید افراطی بر یکی از جنبه ها و رها ساختن سایر موارد با شکست درمان وعود بالا همراه است. در ادبیات علمی معاصر کمتر کسی از صاحب نظران اعتیاد وجود دارد که درمان یک بعدی چه صرفا دارویی و چه صرفا غیر دارویی (اعم از رواندرمانی، باز توانی ویا حتی مجازات های قانونی) را به عنوان درمان اعتیاد پیشنهاد کند، بلکه ملغمه ای از آنها لازم است. با این حال حتی موثرترین درمانها نیز عود بالایی داشتند. در چنین شرایطی پیشگیری به طور منطقی جایگزین درمان می شود. فرض بر این است جلوگیری از مبتلا شدن افراد به سوء مصرف مواد مخدر آسان تر از درمان این اختلال است. هدف از پیشگیری به تاخیر انداختن یا جلوگیری از شروع استفاده از مواد مخدر در جامعه است. به این ترتیب پیشگیری از ابتلای افراد جامعه به سوء مصرف مواد به معنای جلوگیری از تحمیل هزینه های سنگین به اجتماع، ابتلای افراد به ایدز و بیماری های دیگر، کاهش بازدهی در محیط کار، وقوع جرم و جنایت و در معرض خطر قرار گرفتن نسل بعدی است. یکی از روش های پیشگیرانه در برابر مصرف مواد مخدر، آگاه سازی افراد در مورد خطر ها و مضرات مواد مخدر، اصلاح نگرش افراد از نگرش مثبت به نگرش منفی به اعتیاد، معتاد و مواد مخدر است (رحیمی، ۱۳۷۵، به نقل از جزایری وهمکاران، ۱۳۸۲).

^۱ - Attitude change

^۲ - Botvin&Botvin

^۳ - rehabilitation

یکی از مهم ترین استراتژی ها^۱ در پیشگیری از اعتیاد تغییر نگرش های مثبت و تثبیت نگرش های منفی نسبت به مصرف مواد مخدر است، نگرش یعنی باورهای فرد در مورد نتیجه و عاقبت هر کار و ارزشی که فرد برای این نتیجه قائل است نگرش ها دلایل منطقی بروز رفتارهای هر فرد خاص می باشد، عوامل بسیاری بر نگرش افراد تاثیر می گذارند؛ یکی از این عوامل دانش و اطلاعات فرد در حوزه های مختلف می باشد، لذا طبق مطالعات صورت گرفته مشخص شده است افرادی که نسبت به مواد مخدر نگرش ها و باورهای مثبت دارند احتمال مصرف و اعتیادشان بیشتر از کسانی است که نگرش های منفی یا خنثی دارند. بر همین اساس تغییر نگرش ها از خنثی به منفی آسانتر از تغییر نگرش ها از مثبت به منفی است. به همین دلیل افرادی که سیگاری نیستند بیشتر از سیگاریها به مضرات سیگار توجه دارند (عسگری، ۱۳۸۴).

مستقیم ترین روش مداخله به منظور ارتقای توانایی های روانی اجتماعی، مداخله هایی است که منابع مقابله ای اشخاص و توانایی های شخصی و اجتماعی آنان را تقویت می کند. در رابطه با کودکان و نوجوانان این نوع مداخله را می توان از طریق آموزش مهارت های زندگی^۲ در محیط آموزشی حمایت کننده، یعنی مدرسه ارائه نمود (سازمان جهانی بهداشت: قاسم آبادی و محمد خانی، ۱۳۷۷).

یکی از موقعیت هایی که افراد زیاد تحت تاثیر همسالان قرار می گیرند کلاس درس و فضای مدرسه است چون بیشتر وقت دانش آموز در این مکان سپری می شود و دانش آموزان در بیشتر مسائل و موقعیتهای زندگی فردی و اجتماعی تحت نفوذ و تاثیر آموزه های مستقیم و غیر مستقیم همسالان خود قرار می گیرند. بنابراین با آموزش مهارت های زندگی در مدرسه دانش آموزان هم از ارزشیابی خود از مواد مخدر آگاه می شوند و هم به طور مستقیم در مقابله با نگرش های دیگر همسالان درباره مواد مخدر تحت تاثیر قرار می گیرند. از این رو آموزش مهارت های زندگی، مهارت های فردی، بین فردی آنها را در رسیدن به اهداف و تامین نیازهایشان تقویت می کند همچنین آنها را با نگرش های متفاوت و ناهمسان نگرش های خود مواجه می سازد تا دانش آموزان در نگرشهای خود تجدید نظر کرده و نگرش های نادرست خود را اصلاح کنند. بنابراین مساله قابل طرح در این پژوهش اینست که آیا آموزش مهارتهای زندگی نگرش دانش آموزان را نسبت به سوء مصرف مواد مخدر و اعتیاد تغییر میدهد؟ آیا

¹ -strategies

² -Life Skills Training

تفاوتی در تاثیر آموزش مهارت های زندگی بر مولفه های شناختی، عاطفی، رفتاری نگرش نسبت به سوء مصرف مواد مخدر مشاهده خواهد شد؟

ضرورت و اهمیت پژوهش

متأسفانه امروز بالغ بر ۶۰ درصد از فضای زندان های کشور را معتادان و مجرمین مواد مخدر اشغال نموده و انرژی زیادی را از کشور (در بخشهای گوناگون) مصروف خود ساخته اند و همین مساله در بروز ناامنی ها بی تاثیر نبوده و نیست. از نظر بهداشتی یکی از عوامل اصلی شیوع و بروز امراض مسری همچون ایدز، سل، هپاتیت و غیره ناشی از سوء مصرف مواد است که نه تنها خود آنان بلکه سلامت کل جامعه را مورد تهدید جدی قرار داده است (نظری، ۱۳۷۸).

مطالعات اخیر نشان میدهند که میزان شیوع مصرف مواد در ایران، در ۳۰ سال گذشته، روند فزاینده داشته است. بیشترین میزان افزایش در سالهای ۵۲ تا ۵۶ رخ داده است. از سال ۵۷ تا ۶۶ از میزان رشد کاسته شده است و سپس مجدداً بعد از سالهای ۶۷ تا ۷۰ میزان رشد آن تا سال ۷۷ افزایش یافته است در طی سالهای ۷۷ تا ۷۷ به طور متوسط میزان رشد بروز سوء مصرف مواد سالانه ۸ درصد بوده است. به عبارت دیگر تقریباً هر ۱۲ سال دو برابر شده است. با مقایسه این نرخ با نرخ رشد جمعیت (که در ۲۰ سال گذشته به طور متوسط ۲٫۶۳ درصد بوده است)، ملاحظه میشود که میزان رشد بروز سوء مصرف مواد بیش از ۳ برابر نرخ رشد جمعیت بوده است. با توجه به اینکه به زودی هرم سنی جمعیت تغییر شکل می یابد و اکثر گروههای سنی از گروههای سنی کودک و زیر ۱۵ سال به سنین بالای ۱۵ سال (که در معرض خطر مصرف مواد می باشند) تغییر می یابند و به همراه آن کمبود امکانات آموزشی، تفریحی، بهداشتی و شغلی نمود بیشتری خواهد داشت، پیش بینی می شود در سالهای آتی میزان رشد بروز مصرف به شدت افزایش یابد (بهزیستی، ۱۳۸۱).

به عقیده فیش بین^۱ مصرف مواد مخدر تحت تاثیر نگرشی است که نوجوانان به مواد دارند. شکل گیری نگرش مثبت یا منفی ناشی از ترکیب دانش، اطلاعات، باورها و عواطف نوجوانان درباره مواد مخدر از یک سو و میزان ارزشمندی است که برای آنها قائل هستند علاوه بر این از نظر روانشناختی افراد تمایل دارند رفتارهایی را انجام

^۱ - Fishbein

دهند که اکثریت مردم و گروههای مرجع آنها را مناسب و مثبت ارزیابی می کنند. از اینرو معمولا به رفتارهای مطابق هنجارهای اجتماعی عمل میشود. هر چه فرد تبعیت و اطاعت بیشتری از نظرات دیگران داشته باشد، احتمال رفتارهای مطابق با هنجار افزایش می یابد (پور شهباز ، و دیگران، ۱۳۸۴).

روند رو به افزایش مصرف مواد در بین نوجوانان بسیار نگران کننده است، زیرا اکثر نوجوانان که مصرف مواد را در سالهای اولیه نوجوانی آغاز می نمایند به مصرف این ماده در سالهای آینده ادامه میدهند، و میزان مصرف مواد و همچنین مشکلات مرتبط با آن نیز افزایش می یابد. با توجه به نکات فوق طراحی برنامه های موثر برای پیشگیری از مصرف مواد در نوجوانان بسیار ضروری می باشد (محمد خانی، ۱۳۸۵).

در حال حاضر، اعتیاد از مهم ترین مشکلات و معضلات جامعه ما است که افراد زیادی را به کام خود کشیده و خانواده های زیادی را درگیر خود کرده است. در این میان نوجوانان و جوانان که اکثریت جمعیت جامعه ما را تشکیل می دهند بیشتر در معرض خطر واقع و آسیب پذیرتر هستند لازم است این گروهها برای زندگی در جوامع تهدید کننده به مهارت های لازم مجهز شوند چنین مهارت هایی بایستی از اوایل نوجوانی و یا حتی کودکی به آنها آموزش داده شود. کشور ما نیز از کشورهایی است که پدیده اعتیاد و سوء مصرف مواد مخدر از دیرباز در زمره عوامل و زمینه های جدی آسیب های روانی-اجتماعی مطرح بوده است و تا کنون در کشور ما فعالیت ها معطوف به کاهش عرضه و درمان معتادان بوده است در حالیکه تجربیات جهانی حاکی از این است که پیشگیری بهترین اقدام است.

کشور ما بدلیل همجواری بودن با کشور افغانستان که مرکز کشت بیشتر مواد مخدر جهان است با آسیب زیادی مواجه شده است. در این میان استان های شرقی و جنوب شرقی بیشتر از سایر استانها آسیب دیده اند. از جمله استان کرمان، که علی رغم تلاشهای زیاد در جهت آسیب زدایی از مردم این منطقه متاسفانه هنوز افراد زیادی دچار معضل اعتیاد هستند. شهرستان سیرجان نیز از جمله این موارد است که بدلیل موقعیت استراتژیکی که دارد و محور شهرهایی مثل شیراز، کرمان و بندر عباس است و بخاطر مهاجر پذیر بودن (بویژه مهاجران افغانه زیاد) و بسیاری علل و عوامل اجتماعی و اقتصادی و... آسیب پذیرتر شده اند. و بدلیل اینکه سن اعتیاد در این شهر کاهش یافته ضرورت دارد تا پژوهشهای اینچنین در مورد نوجوانان و تغییر نگرش آنها نسبت به مواد مخدر صورت گیرد.

برنامه آموزش مهارت های زندگی در پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر ، یک رویکرد تازه برای پیشگیری است که در وهله اول بر عوامل عمده اجتماعی - روانی سوق دهنده نوجوان به شروع مصرف مواد تمرکز دارد و تاکید عمده این برنامه بر رشد مهارت های شخصی و اجتماعی است . پژوهش حاضر با ارائه چنین برنامه ای سعی بر آن دارد تا با آموزش مهارت های زندگی تغییر نگرش و کاهش گرایش نسبت به سوء مصرف مواد مخدر و اعتیاد را در نوجوانان بررسی کند.

اهداف پژوهش

الف) هدف اصلی

۱- تعیین میزان تاثیر آموزش مهارت های زندگی در تغییر نگرش دانش آموزان نسبت به سوء مصرف مواد و اعتیاد

ب) هدف فرعی

۱- بررسی تاثیر آموزش مهارت های زندگی بر عناصر سه گانه نگرش (شناختی ،عاطفی ،رفتاری) دانش آموزان.

ج) هدف کاربردی

۱- ارائه راهبرد هایی برای پیشگیری از اعتیاد و سوء مصرف مواد مخدر بر پایه تقویت آگاهی و ارتقائ بعضی از مهارت های فردی و بین فردی دانش آموزان.

فرضیه های پژوهش

الف) فرضیه اصلی

۱- بین نگرش دانش آموزان نسبت به سوء مصرف مواد مخدر و اعتیاد قبل و بعد از آموزش مهارت های زندگی تفاوت وجود دارد.

ب) فرضیه فرعی

۱- بین میزان تغییر در مولفه های سه گانه نگرش نسبت به اعتیاد در اثر آموزش مهارت های زندگی تفاوت وجود دارد.

تعاریف نظری و عملیاتی واژه ها

الف) تعاریف نظری:

- ۱- اعتیاد: "سازمان بهداشت جهانی در ۱۹۶۴ به این نتیجه رسید که اصطلاح اعتیاد دیگر جنبه علمی ندارد و وابستگی دارویی را به جای آن توصیه نمود که برای توصیف موارد زیر به کار می رود .
 - ۱- وابستگی روانی به ماده ای که موجب رفتار کسب دارو می گردد.
 - ۲- ناتوانی در قطع مصرف دارو به علت وابستگی جسمی به آن و تحمل پیدا کردن نسبت به اثرات آن دارو .
 - ۳- نوعی پسرقت سلامتی جسمی و روانی در نتیجه سوء مصرف مستمر ماده (علی مددی و نوغانی، ۱۳۸۴).
 - ۲- سوء مصرف^۱: "به الگوی ناهنجار مصرف دارو گفته می شود که به مشکلات مکرر و نتایج بد منجر شده باشد (نظیر مصرف ماده در موقعیت های خطرناک ، بروز مشکلات قانونی ، اجتماعی و شغلی)" (کاپلان و سادوک، ترجمه خلیقی سیگارودی، ۱۳۸۴).
 - ۳- مهارت های زندگی^۲: "مهارت های زندگی شامل مجموعه ای از توانایی هایی هستند که قدرت سازگاری و رفتار مثبت و کارآمد را افزایش می دهند. این توانایی ها فرد را قادر می سازند تا مسئولیت نقش های اجتماعی خود را بپذیرند و بدون لطمه زدن به خود و دیگران با خواسته ها ، انتظارات و مشکلات روزمره بویژه در روابط بین فردی به شکل موثری برخورد نمایند" (سازمان جهانی بهداشت: قاسم آبادی و محمد خانی، ۱۳۷۷).
 - ۴- نگرش^۳: "ترکیب شناختها ، احساسها و آمادگی برای عمل نسبت به یک چیز معین را نگرش شخصی نسبت به آن چیز گویند" (کریمی، ۱۳۷۹).

¹ -Drug Abuse Tendency

² -Life Skills

³ -Attitude

۵- نوجوانی^۱: "نوجوانی به دوره گذر از کودکی به بزرگسالی اطلاق می شود. این دوره مرزهای سنی مشخصی ندارد، اما تقریباً از دوازده سالگی آغاز می شود و تا آخرین سالهای دهه دوم زندگی یعنی تا رسیدن به رشد جسمانی کم و بیش کامل، ادامه می یابد. در این دوره نوجوان به بلوغ جنسی میرسد و هویت فردی خود را جدا از هویت خانوادگی بنا می نهد" (اتکینسون و همکاران، ۱۳۸۲)، ج. ۱، ص ۲۰۱).

تعاریف عملیاتی:

۱- مهارتهای زندگی: منظور از مهارت های زندگی در پژوهش حاضر هشت مهارت شناخت خود یا خود آگاهی، اعتماد بنفس، تصمیم گیری، حل مساله، برقراری روابط، مقابله با اضطراب، ابراز وجود و مقابله با شکست و ناکامی می باشد. این مهارت ها با استفاده از کتاب برنامه آموزش مهارت های زندگی سازمان جهانی بهداشت ترجمه نوری قاسم آبادی و محمدخانی و راهنمای مهارت های زندگی مجید محمود علیلو در ۹ جلسه آموزشی به طور حضوری به دانش آموزان آموزش داده شد.

۲- نگرش: در پژوهش حاضر، مراد نگرش نسبت به سوء مصرف مواد مخدر و اعتیاد می باشد و منظور نمراتی است که دانش آموزان در پرسشنامه سنجش نگرش نسبت به اعتیاد و مواد مخدر کسب می کنند.

۳- نوجوانی: در پژوهش حاضر، فردی است که در یک دبیرستان پسرانه مشغول به تحصیل بوده و در سنین ۱۲ تا ۲۰ سالگی می باشد.